و این بهره اخص الخواص است که اصحاب اسرارند ع دیگران را در حریم عز ایشان راه نیست ؛ در کشف الاسرار میفرماید که با بر اوست با بندگان
و سین سر اوست با دوستان و میم منت اوست با مشتاقان سخن حضرت شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاریست قدس سره که در مجلس
فرموده اند اگر نه بر او بودی دل من چه جای تعبیه سر او بودی و اگر نه منت و فضل او بودی بندگان را کجا زهره تمنای وصل بودی اگر آفتاب
ازلی بر این ذره نتافتی پرتو نور ابدی از کجا یافتی بیت گر شرد بجهتم از حق نیافتی ؛ هرگز که یافتی ز یحبونهم نشان ؛ و گفته اند هر حرفی اشارت
باسمیست از اسماء حسنی با بصیرت سین سمیع است میم محصی است گویا قاری را تنبیه میکند که بصیرم می بینم کردار ترا در قرات و اخلاص ورز
تا جزا بسزا دهم سمیعم میشنوم گفتار تو از عرض و سمعه و ریا دور شو تا خلعت فیض و صفا دهم محصی ام میشمارم انفاس و آیات روزگار تو یک لحظه
و سین غایب شو تا عوض آن حضور لقا دهم در روضة الانس آورده که با بر اوست و میم معرفت او و سین سهو بندگان در میان این هر دو
جای که بر و بحر الهی و دریای معرفت پادشاهی در موج آید از خاشاک سهو ساهیان خطایی و عاصیان اثر کجا ماند ع تا بحر رحمتش چه زند
خاشه گناه ؛ صاحب حقایق القرآن در معنی این سه حرف آورده که با باری آفریدگار از عرش تا فرش سین سمیع اصوات بندگان
از علا تا ثری میم مالک عالمیان از صغیر تا کبیر در کشف البیان گوید که با مفتاح اسم باری با سطوت بدیع و باقی و بر و بصیر باعث و باطن
است و سین مبدا اسم سمیع سلام و سریع الحساب مانند آن و میم آغاز اسم ملک مالک و مجید و مجیب و معید و مبدی و مصور و میمن
و اشباه آن و در کتاب الزینه از ابن عباس رضه نقل میکند که این حروف اشارتست بصفات چنانچه با بها اوست و سین
سنا و میم ملک و بهر تقدیری کانه قسم میکند و صفات افعال خود که هر که بصدق تمام این کلمات بر زبان راند او را با آتش
فراق نسوزم بلکه در زاویه کاشانه دلش شمع محبت بر افروزم و در هر یک ازین حروف چند آن معانی مندرجست که عشر عشر معشار آن بهزار
قرن در صد هزار دفتر نگنجد و از آن معانی کسی بهره گیرد که بر بلای دوست صبر کند و سین سر خود را بسلوک طریق فنا مشغول گرداند
تا وقتی که بمیم مشاهده رسد و جمال وجه باقی بر منظر نظرش جلوه گر آید بیت نور جمال اگر شود منظر نظر ؛ زان پس شکی نماند که صاحب
نظر شوی ؛ از پای تا سرت همه نور خدا شود ؛ در راه مهر دوست چو بی پا و سر شوی اشارت ثالث در افتتاح این کلام حقایق انجام
بحرف با و درین باب علما ظاهر سخنها گفته اند از جمله آنکه حرف با از حروف شفویه است و مخرج حروف شفوی در طور مبدا
مخارج واقع شده و این حروف را بدین مخرج اشتمالی زیاده از شفویات دیگر هست چنانچه از التصاق شفتین مفهوم میشود
پس تقدیم حروف چون مشتمل بر مخرج اول در آغاز قرات بمذهب مناسبت اولی مینماید و این نیز گفته اند که حروف سه
قسمت شفوی که اظهارش بشفه معلوم میشود و مخرج این قسم ظاهر است و حرفی که قیام آن بحلق و حمزه متعلق بود و مخرج این
قسم مخفی است و واسطایی که لسان و اسنان را در صدور آن مدخل باشد بی شفه و حلق و مخرج این اسم متوسطست در ظهور و خفا
و چون قرات مضمار اظهار واقع شده و هر آینه افتتاح او بحرفی که مصدرش مخرج ظاهر است اعنی شفویات لایق آنست
از مجموع آن بحرف با که احاطه او بمخرج اتم و اکمل و اظهر و اوضح است باشد در ریاض المذکرین مذکور است که افتتاح کلام ربانی
بحرف باست و اختتامش بحرف سین و این هر دو حرف بس باشد و عرب گوید لبیک ای حسبک من الکونین ما اعطیناک

بین الحرفین و از نوادر اتفاقات آنست که این دو حرف در لغت فارسی بهمان معنی حسب می آید یعنی پسندیده و حکیم غزنوی رحمة الله این معنی را
باز نموده و در آن بیت که فرموده بیت اول آخر قرآن از چه پی آمد بهین ؛ یعنی اندر ره دین رهبر تو قرآن بس ؛ در باب ابتدای کتاب
بدین حرف حقایق انتساب محققان لطیفها است در تفسیر کبیر آورده که حرف با را در صدر کلام مناسبتی هست که هیچ حرف دیگر را نیست
توضیحش آنکه هر چه در معانی تمام کتب منزله الهی مودع بود و حق تعالی مجموع آنرا در کتب ثلاثه اعنی توراة و انجیل و زبور ودیعت نهاد و
اسرار آن سه کتاب را در صد و چهارده سوره قرآن تعبیه فرموده و جواهر معدن قرآن را در خزانه سوره فاتحه سپرده و حقایق آن سوره
در درج کلمات بسمله درج کرده و مجموع مقصود بسمله در باء بسم مندرج ساخته و با حرفیست که دلالت بر التصاق و اتصال دارد و آنجا اشارتست
مر ارباب الباب را که کلی از همه علوم و معارف حقیقت حرف باست یعنی وصول بنده به بارگاه قرب و کرامت پس حرف با در مفتتح
کلام مذکور وصال باشد و سالک بتذکر آن در ترتیب مقدمات قرب مشاهده که قطع بوادی ریاضت و مجاهده است سعی بلیغ نماید و کمر عزم
بر بسته قدم در طریق طلب نهد تا طوف کعبه مقصودش دست بیت دولت وصلش میسر کی شود بی جست و جوی ؛ گر وصال کعبه
میخواهی سخن در راه گو ؛ گفته اند ترفع و اقتدار این حرف در آنکه صدر نشین مسند کلام شد بسبب تواضع و انکسار اوست که من تواضع لله
رفعه الله و چون با وجود افتادگی بسمت کسر نیز که دلالت بر شکستگی دارد موسومست شرف عندیه اسم حق یافته تا سر انا عند المنکسرة
قلوبهم بظهور انجامد بیت با که از بسمله است حرف نخست ؛ بر بواقی از آن ترفع جست ؛ که ز رفعت گذشت و حفظ گزید ؛ بچنین
رفعتی ز حفظ رسید ؛ بتواضع چو ساخت خود را پست ؛ حق گرفتش بر آن ترفع دست ؛ پست شو پست تا بلند شوی ؛ بهره بفکن
که بهره مند شوی ؛ جمعی بر آنند که تقدم وی بواسطه علو همتست چه از جمیع نقاط که بر وی عرض کردند جز یکی قبول نکرد و آنرا نیز در تحت
قدم همت در آورد و هر که دولت سبقت جوید بحکم سبق المفردون تا هر چه دارد در تحت قدم نهد و بیخود روی به خلوتخانه قدم نیاورد
و حصول مقصود و وصول بمطلوب میسر نخواهد شد بیت تا بر نخوری از سر دنیا و هر چه هست ؛ با یار خویشتن نتوانی دمی نشست
صاحب بحر الحقایق آورده که اول لفظی که ذرات موجودات بدان تلفظ نمودند لفظ بلی بود که در جواب الست بربکم از ایشان
صادر شد و افتتاح آن لفظ بحرف باست اینجا نیز ابتدا کلام بکلمه بسم کرد و آنرا بحرف مصدر ساخت تا بنده با ادای این حرف
از جواب الست یاد کند و داند که قرآن عهدنامه روز میثاقست غفلت زدگان بازیچه گاه دنیا را که با ناس تعلقات حدوث آورده اند
از عهد قدیم خبر میدهد که از پیمانی که با ما بسته اید در گذرید و بر امید وعده اوف بعهدکم مضمون اوفوا بعهدی کار بندید
بیت دست وفا در کمر عهد کن ؛ تا نشوی عهد شکن جهد کن ؛ حضرت شیخ اعظم قدس سره در فتوحات آورده که حرف با را پنج طبقه است
اول خاصه که آن مقطعاتست دوم خاصة الخاصه آن حرف اول سورست غیر مقطعات سیم خلاصه آن حروف اواخر سورهاست
چهارم صفا الخلاصه آن حرف بسمله است پنجم عین صفا الخلاصه آن حرف باست که رتبه تقدم بر همه حروف دارد و از پنجه اول بسمله
واقع شده در هر سوره و آن سوره نیز که بسمله ندارد یعنی سوره برائت مصدر بر اوست و هم ایشان فرموده اند که یکی از احبار بنی اسرائیل
با من گفت که شما را از توحید چه بهره باشد و حال آنکه افتتاح کتاب شما نیز همین حرفست چه کلمات ابتدا توراة بشیم او دانای

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)